

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

عنوان

میراث فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی
ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۹)

جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

محقق: مریم زارع شیبانی

استاد راهنما: دکتر ابوتراب طالبی

استاد مشاور: دکتر وحید شالچی

استاد داور: دکتر جعفر هزارجریبی

زمستان ۱۳۹۱

برای مادرم؛

که مهرش همراه همیشگی من است.

تقدیر و تشکر

اکنون که به لطف پروردگار، نگارش این پایان‌نامه به پایان رسیده، شایسته است از کلیه عزیزانی که در طول این مسیر یاریگر اینجانب بوده‌اند تشکر و قدردانی نمایم. از استاد محترم جناب آقای دکتر ابوتراب طالبی که به عنوان استاد راهنما، بنده را در انجام پژوهش و نگارش پایان نامه راهنمایی و ارشاد فرمودند و نیز از استاد ارجمند جناب آقای دکتر وحید شالچی که توصیه‌ها و پیشنهاداتشان روشنگر راه من بود صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین از جناب آقای کاوش کامرانی به جهت مساعدت و حمایت بی دریغ شان کمال تشکر را دارم. آرزوی من برای این عزیزان، شادی، پیروزی و سربلندی روزافزون در تمام مراحل زندگی است.

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «میراث فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، در پی مطالعه و فهم معانی پنهان یا آشکار موجود در سیاست‌های فرهنگی مربوط به میراث فرهنگی در ایران پس از انقلاب اسلامی، بررسی ویژگی‌های آن و ارائه‌ی نگاهی بدیع در این زمینه است. برای رسیدن به این هدف قوانین، آیین نامه‌ها و مصوبات موجود در این حوزه، مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش به یک سنخ-شناسی (۴ دوره) از سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه میراث فرهنگی دست یافتیم. این دوره‌ها را می‌توان با توجه به ویژگی‌های بدست آمده از آنها به صورت ذیل نام گذاری کرد:

دوره اول (۱۳۵۷-۱۳۶۸): دوره سیاست‌گذاری ذره‌ای یا حداقلی؛

دوره دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۶): دوره سیاست‌گذاری مبتنی بر زمینه-سازی برای توسعه فرهنگی؛ دوره سوم (۱۳۷۶-۱۳۸۴): دوره سیاست‌گذاری مبتنی بر توسعه فرهنگی همه‌جانبه؛ دوره چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۹): دوره سیاست‌گذاری توریستی در زمینه میراث فرهنگی.

کلیدواژه‌ها: سیاست فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، توسعه فرهنگی، میراث فرهنگی، نخبه‌گرایی.

فهرست مطالب

۱	فصل ۱ : کلیات
۲	۱-۱ طرح مسئله
۳	۲-۱ هدف پژوهش
۳	۳-۱ پرسش اصلی پژوهش
۳	۴-۱ پرسش های فرعی پژوهش
۴	۵-۱ ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش
۵	۶-۱ مرور تجربی
۱۱	فصل ۲ : چهارچوب مفهومی
۱۲	۲-۱ مقدمه
۱۲	۲-۲ مفهوم فرهنگ
۱۳	۱-۲-۲ تعریف تایلر از فرهنگ
۱۴	۲-۲-۲ تعریف گیرتز از فرهنگ
۱۴	۳-۲-۲ رویکرد سنتی و مدرن به فرهنگ
۱۵	۴-۲-۲ مهمترین تعارف فرهنگ
۱۷	۵-۲-۲ دسته بندی ریموند ویلیامز از تعریف فرهنگ
۱۸	۶-۲-۲ مفهوم عام و خاص فرهنگ
۲۱	۳-۲ ابعاد فرهنگ
۲۱	۴-۲ توسعه
۲۲	۵-۲ فرهنگ توسعه
۲۳	۶-۲ توسعه فرهنگی
۲۳	۷-۲ اهداف توسعه فرهنگی و ابزارهای دستیابی به آنها

۲۴	۸-۲ تاریخچه سیاست فرهنگی
۲۵	۹-۲ زمینه های تاریخی و نظری شکل گیری مفهوم سیاست فرهنگی
۲۷	۱۰-۲ سیاست فرهنگی
۲۹	۱۱-۲ راهبردهای اصلی در سیاست فرهنگی
۳۰	۱۲-۲ الگوهای سیاست فرهنگی
۳۲	۱۳-۲ سیاست گزارى فرهنگى
۳۴	۱۴-۲ سطوح سیاست گزارى فرهنگى
۳۴	۱-۱۴-۲ سیاست گزارى فرهنگى کلان نگر
۳۵	۲-۱۴-۲ سیاست گزارى فرهنگى خرد نگر
۳۶	۱۵-۲ دولت و سیاست گزارى فرهنگى
۳۷	۱۶-۲ سیاست گزارى در حوزه فرهنگ
۳۹	۱۷-۲ ابژه ی سیاست گزارى فرهنگى
۳۹	۱۸-۲ میراث
۴۰	۱۹-۲ میراث فرهنگى
۴۲	۲۰-۲ سیاست گزارى در زمینه میراث فرهنگى
۴۳	۲۱-۲ رابطه میراث فرهنگى و سیاست
۴۳	۱-۲۱-۲ ستیزه گرى بر سر میراث
۴۴	۲-۲۱-۲ استفاده سیاسى از گذشته
۴۵	۱-۲-۲۱-۲ نسیان اجتماعى
۴۶	۳-۲۱-۲ بى ثباتى هاى سیاسى
۴۶	۲۲-۲ به رسمیت شناختن تفاوت ها و سیاست هاى به رسمیت شناختن
۴۷	۲۳-۲ توانمندسازى

۴۷ جمع بندی مفاهیم نظری
۴۹ مرور تاریخی
۴۹	۱-۲۵-۲ نخستین قوانین در حوزه میراث فرهنگی در ایران
۵۰	۲-۲۵-۲ جدال باستان گرایی و اسلام گرایی در ایران..
۵۶	۳-۲۵-۲ تاثیر این جدال بر آثار باستانی و احیای آن..
۵۸	۴-۲۵-۲ حراست و حفظ آثار فرهنگی-تاریخی پس از انقلاب.
۶۲ فصل ۳ : روش پژوهش.....
۶۳ ۱-۳ مقدمه
۶۳ ۲-۳ تحلیل محتوا
۶۴ ۳-۳ گونه های تحلیل محتوا
۶۵ ۱-۳-۳ تحلیل محتوای کمی
۶۵ ۲-۳-۳ تحلیل محتوای کیفی
۶۶ ۱-۲-۳-۳ حساسیت نظری
۶۷ ۲-۲-۳-۳ فنون تحلیل محتوای کیفی
۶۹ ۴-۳ تحلیل اسناد
۷۰ ۵-۳ متن مورد تحلیل در این پژوهش
۷۱ ۶-۳ دلایل استفاده از تحلیل محتوای کیفی
۷۲ ۷-۳ روند تحلیل محتوای کیفی در این پژوهش
۷۵ فصل ۴ : یافته های پژوهش
۷۶ ۱-۴ مقدمه
-۱۳۵۷) ۴-۲ دوره اول : سیاست گذاری ذره ای یا حداقلی
۷۸ (۱۳۶۸)
۷۹ ۱-۲-۴ تمرکزگرایی

۷۹	توسعه فرهنگی	۲-۲-۴
۸۰	حفظ میراث فرهنگی	۳-۲-۴
۸۱	اقتصاد فرهنگی	۴-۲-۴
۸۱	توانمندسازی	۵-۲-۴
۸۲	تقویت هویت فرهنگی	۶-۲-۴
۸۲	همکاری های بین المللی	۷-۲-۴
۸۳	پژوهش فرهنگی	۸-۲-۴
۸۳	نسیان اجتماعی	۹-۲-۴
۸۴	حقوق فرهنگی	۱۰-۲-۴
۸۴	راهبرد سیاست فرهنگی در دوره اول	۱۱-۲-۴
۸۶	الگوی سیاست فرهنگی در دوره اول	۱۲-۲-۴
۸۶	جمع بندی دوره اول	۱۳-۲-۴
		دوره دوم: دوره سیاست گذاری مبتنی بر زمینه سازی برای	۳-۴
۸۸	توسعه فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)	توسعه فرهنگی
۸۸	تمرکزگرایی	۱-۳-۴
۸۹	توسعه فرهنگی	۲-۳-۴
۸۹	حفظ میراث فرهنگی	۳-۳-۴
۹۰	اقتصاد فرهنگی	۴-۳-۴
۹۱	توانمندسازی	۵-۳-۴
۹۳	تقویت همکاری های بین المللی	۶-۳-۴
۹۳	حقوق فرهنگی	۷-۳-۴
۹۴	پژوهش فرهنگی	۸-۳-۴
۹۴	توسعه سازمانی میراث فرهنگی	۹-۳-۴

- ۹۵ جمع بندی دوره دوم ۱۰-۳-۴
- ۹۶ راهبرد سیاست فرهنگی در دوره دوم ۱۱-۳-۴
- ۹۸ همه جانبه (۱۳۷۶-۱۳۸۴) ۴-۴-۴
 ۹۸ ۱-۴-۴
- ۱۰۱ توسعه فرهنگی ۲-۴-۴
- ۱۰۱ حفظ میراث فرهنگی ۳-۴-۴
- ۱۰۳ اقتصاد فرهنگی ۴-۴-۴
- ۱۰۵ توانمندسازی ۵-۴-۴
- ۱۰۸ تقویت هویت فرهنگی ۶-۴-۴
- ۱۱۰ حقوق فرهنگی ۷-۴-۴
- ۱۱۱ گسترش همکاری های بین المللی ۸-۴-۴
- ۱۱۳ پژوهش فرهنگی ۹-۴-۴
- ۱۱۴ توسعه سازمانی میراث فرهنگی ۱۰-۴-۴
- ۱۱۴ جمع بندی دوره سوم ۱۱-۴-۴
- ۱۱۶ راهبرد سیاست فرهنگی در دوره سوم ۱۲-۴-۴
- ۱۱۸ فرهنگ (۱۳۸۴-۱۳۸۹) ۵-۴-۴
 ۱۱۸ ۱-۵-۴
- ۱۱۹ توسعه فرهنگی ۲-۵-۴
- ۱۱۹ حفظ و احیای میراث طبیعی ۳-۵-۴
- ۱۲۱ اقتصاد فرهنگی ۴-۵-۴
- ۱۲۲ حفظ میراث فرهنگی ۵-۵-۴
- ۱۲۳ همکاری های بین المللی ۶-۵-۴

۱۲۴	۷-۵-۴	توانمندسازی
۱۲۵	۸-۵-۴	پژوهش فرهنگی
۱۲۵	۹-۵-۴	حقوق فرهنگی
۱۲۶	۱۰-۵-۴	جمع بندی دوره چهارم
۱۲۷	۱۱-۵-۴	راهبرد سیاست فرهنگی در دوره چهارم
۱۲۸	۶-۴	نوع فهم از فرهنگ و الگوی سیاست فرهنگی
۱۳۰	۷-۴	جمع بندی یافته های پژوهش
۱۳۸	فصل ۵	: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۳۹	۱-۵	مقدمه
۱۳۹	۲-۵	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۴۵	۳-۵	کاستی های و مشکلات پژوهش
۱۴۶	۴-۵	پیشنهادات برای پژوهش های بعدی
۱۴۷	۵-۵	پیشنهاداتی برای سیاست گزاران
۱۴۸		فهرست منابع

فهرست جداول و پیوست ها

۱۵	جدول شماره ۱-۲
۷۸	جدول شماره ۱-۴
۸۸	جدول شماره ۲-۴
۹۸	جدول شماره ۳-۴
۱۱۸	جدول شماره ۴-۴
۱۵۲	جدول پیوست شماره ۱

فصل ۱

کلیات پژوهش

۱-۱ طرح مسئله:

ایران کشوری است که طی دوره‌های تاریخی متعدد، حاکمیت سلسله‌های متفاوتی را تجربه کرده است. از هر کدام از این دوره‌های تاریخی، اشیاء، بناها و آثار فراوانی به یادگار مانده که نمایانگر فرهنگ، هنر، باورها و به عبارتی هویت اجتماعی و فرهنگی آن دوره است. مطالعه‌ی این آثار برجای مانده می‌تواند ما را در شناخت بهتر فرهنگ و تمدن ایرانی یاری رساند.

میراث فرهنگی از دید جامعه به دلایل متعددی گرامی و با ارزش تلقی می‌شود. اما به محض اینکه نگرش‌های اجتماعی تغییر می‌کند نوع تلقی از میراث فرهنگی و مواجهه با آن نیز تغییر خواهد کرد. میراث فرهنگی بازتعریف و بازتفسیر می‌شود و برای برانگیختن حس غرور و افتخار در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دخالت‌ها و تغییرات تا سیاست‌گذاری امتداد می‌یابد. سیاست‌های میراث فرهنگی نمایانگر توسعه‌ی یک جامعه هستند. دولت به دلیل اهمیت میراث فرهنگی، مسئولیت حفاظت از آن و سیاست‌گذاری در این حوزه را پذیرفته و نهادها و سیاست‌های متنوعی را برای این منظور ایجاد کرده است. پی بردن به چگونگی کاربرد این مکانیسم‌ها توسط دولت از اهمیت ویژه برخوردار است.

در ایران نیز با دگرگونی شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، دولت‌ها رویکردهای مختلفی به حوزه‌ی میراث فرهنگی داشته‌اند و سیاست‌گذاری‌های متفاوتی در این زمینه صورت‌گرفته است. برای مثال می‌توان به سال‌های اولیه پس از انقلاب اشاره کرد. از آنجا که در گذشته مفهوم میراث فرهنگی به علت اقدامات و استفاده‌های سیاسی قاجار و پهلوی از آن_مخدوش شده بود، پس از انقلاب امکان حمایت مردمی از فعالیت‌های این بخش سلب گشته بود. افرادی که آگاه به ارزش‌های واقعی میراث فرهنگی بودند با توجه به شرایط انقلاب در آن زمان مشغله بسیار زیادی داشتند و درگیر رسیدگی به امور انقلاب و سامان دادن شرایط عمومی جامعه بودند. لذا حمایتی از طرف آنها نیز از میراث صورت نمی‌گرفت. در این شرایط واحدهای مربوط به میراث فرهنگی بلا تکلیف بودند و در حالت انزوا قرار داشتند. در سه سال اول انقلاب تنها چند مصوبه قانونی که عموماً بدون دخالت

بخش میراث فرهنگی و با پیشنهاد افراد فرهنگی عضو شورای انقلاب و یا بنابر وظایف سایر دستگاه ها تهیه شد. بنابر این، وقوع انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی، تغییر دولت‌ها، نقش مذهب و... را می‌توان از جمله شرایط تاثیرگذار بر تغییر سیاست‌های میراث فرهنگی دانست. بررسی سیر تحول این سیاست‌ها نیاز به مطالعه دقیق و پژوهش علمی دارد. مسئله‌ی مد نظر ما در این پژوهش این است که میراث فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چگونه مورد توجه قرار گرفته، سیاست‌های فرهنگی این حوزه دارای چه ویژگی‌هایی است، چه راهبردهایی را در پیش گرفته و چه الگوهایی را پذیرفته است.

۱-۲ هدف پژوهش:

پس از تحقق انقلاب اسلامی با توجه به اهداف و آرمان‌های انقلاب دینی، تحولاتی در سیاست‌گذاری‌های کشور در حوزه‌ی میراث فرهنگی ایجاد شد. این تحولات نیز به نوبه‌ی خود در دهه‌های مختلف پس از انقلاب روندهای نسبتاً متفاوتی را طی نموده است. موضوع پایان نامه حاضر، میراث فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۹) است. و هدف محقق از انجام این پژوهش، بررسی و فهم معانی پنهان یا آشکار موجود در سیاست‌های فرهنگی مربوط به میراث فرهنگی و پرده‌برداری از آنها و نیز ارائه‌ی نگاهی بدیع در این زمینه است.

۱-۳ پرسش اصلی پژوهش:

۱. سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه میراث فرهنگی چه ویژگی‌هایی دارد و دچار چه تغییر و تحولاتی شده است؟

۱-۴ پرسش‌های فرعی پژوهش:

۱. تمرکزگرایی و تمرکززدایی در سیاست‌گذاری میراث فرهنگی، در هر دو ره‌چگونگی‌ها چه روندها داشته‌است؟
۲. سیاست‌گذاری میراث فرهنگی در جهت توسعه فرهنگی در حوزه میراث فرهنگی گام برداشته‌اند و این هم‌در هر دو ره‌چگونگی‌ها بوده‌است؟

۳. از میان سهرابرد اصل سیاست فرهنگی (نخبه‌گرا، توسعه‌گرا، کثرت‌گرا) سیاست گزاران فرهنگی در دوره - های مختلف کدام را _ در حوزهمیراث فرهنگی _ اتخاذ نموده اند؟
۴. در هر دو رهنمرکز سیاست گزاران فرهنگی بر کدام الگوهای سیاست فرهنگی (یکسان‌سازی فرهنگی، تکثرگرایی فرهنگی، وحدت‌تکثر فرهنگی) در حوزهمیراث فرهنگی بوده‌است؟
۵. سیاست

گزاران در دوره‌های مختلف بر مبنای چه مفهوما در اکیاز فرهنگ اقدام بهید است گزارید در حوزهمیراث فرهنگی نموده اند؟

۱-۵ ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش:

میراث فرهنگی هر کشور به عنوان نمادی از هویت ملی و تاریخ مشترک مردم آن سرزمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بعلاوه توجه به معنی و ارزش گذشته، از پیش‌نیازهای دریافت مفهوم میراث فرهنگی است. برای هر ملت، شناخت گذشته برای ساختن آینده‌ای بر پایه هویت فرهنگی خویش اهمیت می‌یابد. در حقیقت پویایی و بقای فرهنگی در آینده، نیازمند پیوستگی میان دیروز، امروز و فردای ملت‌هاست. امروزه در عصر ارتباطات و جهانی شدن، وجه تمایز ملت‌ها از یکدیگر هویت فرهنگی است که ریشه در میراث فرهنگی دارد. از این‌رو، توجه به میراث فرهنگی برای یک ملت، پشتوانه حیات فرهنگی در آینده خواهد بود.

در دین اسلام نیز رجوع به گذشته بسیار سفارش شده و مهمترین آثار آن، هدایت انسان از طریق پی بردن به سنت الهی، توجه به معاد و عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان عنوان شده است. قرآن توجه به آثار تاریخی را توصیه نموده، دریافت حقایقی را از آن برای گسترش بینش انسان، ممکن دانسته و حفاظت از آنرا لازم می‌داند.

دلایل متعدد دیگری نیز برای اهمیت پرداختن به مباحث مرتبط با میراث فرهنگی وجود دارد. از آن جمله می‌توان به تقویت روحیه ملی‌گرایی و حفظ نوستالژی جمعی، پاسداری از ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناختی، بهبود علم و آموزش، خنثی کردن اثرات مدرن‌سازی شهرها اشاره کرد. بعلاوه منافع مالی حاصل از گردشگری میراث و تولید ارزش اقتصادی، به عنوان مهمترین انگیزه برای حفاظت از میراث فرهنگی در اکثر کشورهای در حال توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد. رونق گردشگری میراث می-

تواند باعث بهبود اقتصادی و افزایش امکانات رفاهی در مناطق دور افتاده و مورد غفلت واقع شده‌ی کشور گردد.

به طور کلی جنبه هایارزشمند میراث فرهنگی در جوامع مدرن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ارزش زیبایی شناختی میراث فرهنگی؛ که در راستای لذت بردن از زیبایی و هنر ذاتی نهفته در آثار و ارضای حس زیبا دوستی انسان هاست.

- جنبه اسنادی میراث فرهنگی؛ یعنی اطلاعاتی که این آثار از گذشته با خود همراه دارند و مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد.

- وجه اقتصادی میراث فرهنگی؛ که این بحث عمدتاً وابسته به گردشگری میراث است.

- جایگاه میراث فرهنگی در توسعه جوامع؛ این چنین است که «جامعه ای که بداند نتیجه تعاملش چه بوده و آن را خوب بشناسد متوجه می‌شود که فعالیت‌های کنونی‌اش نمی‌تواند جدا از گذشته باشد. بلکه در ادامه آن است.»

- هویت‌بخشی میراث فرهنگی؛ با گسترش ارتباطات در جهان امروز و افزایش تاثیرپذیری فرهنگ‌ها از یکدیگر، میراث فرهنگی به عنوان عنصر هویت‌بخش، اهمیتی روزافزون یافته است (کلاه‌مال همدانی، ۱۳۸۸، ۲۴-۲۵).

با توجه به ارزش‌های یاد شده، اهمیت و ضرورت پرداختن به سیاست‌های حوزه‌ی میراث فرهنگی بر کسی پوشیده نیست.

۱-۶ مرور تجربی:

در زمینه‌ی میراث فرهنگی در ایران پس از انقلاب پژوهشی با رویکرد سیاست فرهنگی تا کنون صورت نگرفته و لذا پژوهش حاضر نگاهی نو و چشم اندازی بدیع به سیاست های میراث فرهنگی دارد. با این حال تحقیقات صورت گرفته در این زمینه را می‌توان به دو گروه تقسیم بندی کرد. یک دسته پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی سیاست فرهنگی ایران انجام شده و دسته‌ی دوم پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی میراث فرهنگی است.

در دسته‌ی اول، می‌توان به پایان نامه کامران ربیعی، تحت عنوان «تغییرات اجتماعی و تاثیر آن بر سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی دولت در ایران پس از انقلاب اسلامی»، اشاره کرد. این پژوهش که در سال ۱۳۸۵ انجام گرفته، در پی آن است که

نشان دهد سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی دولت در ایران پس از انقلاب اسلامی تابع کدامین مدل و الگو بوده و بر اثر تغییرات اجتماعی پدید آمده در جامعه ایرانی، دستخوش چه دگرگونی‌هایی شده است. این مطالعه با روش اسنادی و بکارگیری تکنیک‌هایی مانند «مشاهده مستقیم» صورت گرفته تا بتواند تغییرات اجتماعی را از دریچه نظریه‌نوسازی مورد مطالعه قرار داده و علاوه بر اینکه مقاومت اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی پدید آمده بر اثر مدرنیزاسیون جامعه را بررسی می‌نماید، تأثیر آنها بر سیاست‌های دولت را نیز بسنجد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که طی سال‌های اولیه انقلاب اسلامی با روی کار آمدن دولت اسلام‌گرا در ایران چگونه دولت توانست در دوره جنگ ایران- عراق هژمونی خود را در عرصه فرهنگی- اجتماعی بر جامعه حاکم کند. پس از پایان جنگ و روی کار آمدن دولت «سازندگی» در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی نیز بر اثر برنامه‌های اقتصادی اجرا شده شاهد آن بوده‌ایم که جامعه با گذراندن تغییرات کمی و تراکمی وارد یک مرحله کیفی می‌شود و با رشد طبقه متوسط جدید و افزایش مقاومت اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی و فاصله‌گیری آنها از دولت و سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی آن، در نهایت در دوم خرداد ۱۳۷۶ دولت خاتمی بر سرکار می‌آید. دولتمردان بر سر کار آمده از ۱۳۷۶ به بعد با تکیه بر حمایت طبقه متوسط جدید شهری و پشتیبانی روشنفکران و برخی از تشکلهای دانشجویی در عرصه اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های با تسامح و تساهل بیشتری اتخاذ می‌کنند و تا حدودی تنوعات موجود در جامعه را به رسمیت می‌شناسند. پس از خاتمی، با روی کار آمدن دولت نهم به ریاست احمدی نژاد، دولت تلاش می‌کند تا هماهنگ با سایر دستگاه‌های حکومتی به اسلامی‌سازی مجدد محیط اجتماعی بپردازد و فضای انقلابی را باز تولید کند. لیکن، سخن اصلی پژوهش حاضر این است که جامعه آنقدر تغییر کرده و روندهایی را تجربه نموده که در مقابل سیاست‌های رسمی از خود مقاومت نشان می‌دهد و به اجرا درآمدن آنها را دچار اختلال کرده و دولت را به دادن امتیازاتی مجبور می‌سازد.

در همین دسته صادق آبسالان در پایان‌نامه خود تحت عنوان «خوانش دانشجویان از سیاست‌های فرهنگی دانشگاه» به دنبال پاسخ به این سوال است که دانشجویان در قبال سیاست‌های

فرهنگی دانشگاه چه ذهنیتی دارند و چه مواضعی اتخاذ می-کنند؟ وی معتقد است از آنجا که فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران از یک سو اطلاق عام است و همه حوزه‌های زندگی انسان ایرانی را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر با دین قرابت دارد، لاجرم سیاست‌های فرهنگی دانشگاه نیز از این الگو تبعیت کرده و تمام حوزه‌های دانشگاه اعم از آموزش، پژوهش، اوقات فراغت و بطور کلی فرهنگ عمومی دانشگاه را در بر می‌گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موضع دانشجویان در قبال سیاست‌های فرهنگی دانشگاه یک موضع سیاه/سفید نیست بلکه موضعی خاکستری است. یعنی دانشجویان نه کاملاً بر اساس ذهنیت خود عمل می‌کنند و نه بر اساس ذهنیت سیاست‌گزاران (آبسالان، ۱۳۸۸، ۲۱۴). استراتژی غالب در بین دانشجویان نوعی تمکین از سیاست‌های فرهنگی دانشگاه است تا جایی که منافع فرد تامین شود. «آنها به گونه‌ای خلاقانه نقطه تعادلی را می‌یابند که از طریق آن هم خواسته‌های خودشان برآورده شود و هم با نظم مستقر در دانشگاه در تقابل قرار نگیرند. به عبارتی گریز از نظام سلطه بدون ترک آن، حاصل خلاقیت زندگی روزمره در بکار بستن هنر همزیستی با سیاست‌های فرهنگی دانشگاه است.» (آبسالان، ۱۳۸۸، ۲۱۶). آبسالان بر اساس نتایج تحقیق خویش که در سال ۱۳۸۸ صورت گرفته است، گفتمان روشنفکری را به عنوان گفتمان رقیب سیاست‌های رسمی دانشگاه مطرح می‌سازد که تاثیر زیادی بر ذهنیت دانشجویان دارد. بر این اساس «هرچه سیاست رسمی دانشگاه در جذب دانشجویان تعلق بیشتری بورزد و یا قدرت جذب کمتری داشته باشد گرایش جوانان به حلقه‌های بیرون از سیستم دانشگاهی بیشتر می‌شود» (آبسالان، ۱۳۸۸، ۲۱۶). در پایان آبسالان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که «دانشگاه نتوانسته از حیث دو کارکرد مشروعیت بخشی به نظام سیاسی و هویت‌بخشی به دانشجویان نتیجه قابل قبولی داشته باشد. سیاست اسلامی کردن دانشگاه که جدی‌ترین سیاست برای تحقق این کارکردها در دانشگاه بود نتوانسته موفق باشد.» وی خاطر نشان می‌کند اگرچه دانشجویان قرابت ذهنی با سیاست‌های ایدئولوژیک دانشگاه ندارند، اما مخالفتشان با سیاست‌های دانشگاه به معنای مخالفت با باورهای دینی نیست. بلکه دانشجویان میان خوانش سیاسی از دین و ارزشها و هنجارهای

دینی تفکیک قائل شده و با وجه اولی آن مخالفند (آبسالان، ۱۳۸۸، ۲۲۰).

در دسته دوم، یعنی تحقیقات انجام شده در حوزه میراث فرهنگی، کتاب «میراث فرهنگی در ایران؛ سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی» از دکتر مهدی حجت را می‌توان نام برد. در این کتاب نویسنده در صدد یافتن جایگاه میراث فرهنگی در جهان بینی اسلامی برآمده است. وی به بررسی ارزش گذشته نزد متفکرین مسلمان و غیرمسلمان و نیز در آیات قرآن می‌پردازد. سپس تعریفی جامع از میراث فرهنگی ارائه داده و فعالیت‌های اصلی مربوط به میراث فرهنگی (صیانت، حفاظت، احیاء و مرمت) را بررسی می‌نماید. مرور تاریخ تحول مفهوم میراث فرهنگی در ایران قبل و بعد از انقلاب از جمله مباحثی است که در این کتاب به تفصیل به آن پرداخته شده است. در نهایت چنین نتیجه‌گیری میکند که حوادث دوران سلطنت قاجار و پهلوی در ایران رابطه طبیعی را که می‌توانست بین جامعه و میراث فرهنگی آن وجود داشته باشد از مسیر طبیعی خود خارج نمود. جهل نسبت به ارزش آثار تاریخی در دوره قاجار و ناتوانی در حفاظت از آن از یکسو و سوء استفاده‌های سیاسی و غیرفرهنگی در دوره پهلوی از سوی دیگر، تصور عمومی نسبت به ارزش‌ها، توانایی‌ها و نقشی که این آثار و در ابقا و اعتلای هویت فرهنگی جامعه می‌توانست داشته باشد را تضعیف و دگرگون ساخت. نفوذ فرهنگ بیگانه و تلاش حکومت در اشاعه آن و سرکوب تمایل به سنت‌ها تحت عنوان «عقب‌گرایی» و ارج نهادن به فرهنگ وارداتی تحت عنوان «ترقی» راه را بر نوع مراجعه به میراث فرهنگی بسته بود (حجت، ۱۳۸۰، ۳۲۸). به اعتقاد حجت از آنجا که آرمان اصلی مردم در انقلاب اسلامی رد کردن فرهنگ تحمیلی وارداتی بود و انقلابیون به دنبال یافتن راهی با اتکا به ارزش‌های مورد قبول جامعه به سوی آینده بود؛ لذا ارائه تصویری واژگون از ارزش‌های میراث فرهنگی، بزرگترین لطمه‌ای است که در قرن حاضر به آثار تاریخی ایران وارد آمده است. از اینروست که با تمام نیازی که جامعه انقلابی به بهره‌برداری از ارزش‌های فرهنگی-تاریخی خود دارد از آن محروم می‌ماند.

ربابه اخلاقی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «جایگاه میراث فرهنگی نزد ایرانیان باستان» با انجام